



سال اول - شماره ۱۷ - سه شنبه ۱۱ دیماه ۱۳۵۸ - تک شماره ۱۵ ریال

اعلامیه مجاهدین خلق ایران درباره

پشتیبانی کامل از ادامه افشاگرهای انقلابی دانشجویان قهرمان پیرو خط امام

بنام خدا
بنام خلق قهرمان ایران

سازمان مجاهدین خلق ایران پشتیبانی کامل خود را از ادامه افشاگرهای دانشجویان قهرمان پیرو خط امام اعلام نموده و خواستار گسترش هرچه بیشتر این جریان حیاتی، و تعیین کننده افشاگرهای ضد امپریالیستی است.

تکراهی تبریک مجاهدین خلق ایران به یاسرعرافات بمناسبت سالروز انقلاب فلسطین و سازمان الفتح

بنام خدا
بنام خلقهای قهرمان فلسطین و ایران

برادر ابوعمار!
باسلام انقلابی و توحیدی،
مجاهدین خلق ایران در نهایت افتخار سالروز انقلاب فلسطین و فتحراکه پیوسته با یکدیگر تداعی میشوند به انقلاب فلسطین وهمه رزمندگان الفتح و شخص شما تنهتین میگویند. طی بیست و چهار سال پیغمبرصالحه

راهپیمایی و تظاهرات انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها

به پشتیبانی از افشاگرهای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام

تنها کسانی که ریگ در کفش دارند از ادامه افشاگرها و همه دارند.



انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها که از آغاز اولین روز تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا در مقابل جاسوخانه مستقر شده بودند و با فعالیتهای شبانهروزی خود در جهت دادن و زنده نگهداشتن شور ضد امپریالیستی نقش بسزایی در زنده نگه داشتن و پایداری این جنبش ایستادند، اینبار نیز با انجام دو تظاهرات که بسیار به موقع و سریع صورت گرفت (درست در لحظاتی که سازشکاران قصد جلوگیری از ادامه افشاگرها را در سر می‌پیروانند) و عقیده انقلابی خود را تا آنجا که در توانشان بود در رابطه با ادامه افشاگرها و ست دادن به مبارزه ضد امپریالیستی ایفا کردند.

اولین تظاهرات در روز چهارشنبه از خوابگاه دانشگاه تهران ساعت ۱۱ بعد از ظهر به طرف لانه جاسوسی آغاز شد و دومین تظاهرات در روز پنجشنبه هشتم آبانماه ساعت ۶ بعد از ظهر مانند شب قبل از خوابگاه دانشگاه تهران در امیرآباد به ست لانه جاسوسی برگزار گردید.

تظاهرات پنجشنبه شب که با شرکت هزاران نفر از خواران و برادران دانشجویان انجام شد نسبت به شب گذشته از سازماندهی و نظم بهتری برخوردار بود. شارهایی یکپارچه دانشجویان در صفوفی منظم و فشرده همراه پای کوبیدن به زمین در نیمه شب فضای سرد و ساکت خیابانها را شکسته و شوکهای خاص به تظاهرات می‌بخشید. اکثر برمی که در مسیر تظاهرات قرار داشتند در نیمه شب از خانها بیرون آمده و تظاهرات را تازمه میکردند، و در بیشتر موارد از دانشجویان حمایت و قدردانی میشد.

دانشجویان در طول تظاهرات با حمل پلاکاردهایی از قبیل "تداوم انقلاب در افشای هرچه بیشتر عناصر خرابکار برکاری افتاده و حال دیگر دولت ما پادار و ابد مدت خواهد بود..." چنین است توهمات سفلگان دانش، در تشنه‌های خونبار و سرست از باده فتح و پیروزی، پیوسته همین بودمات داستان خودکامان و جباران و شکران در تمام طول تاریخشان. وقتی که خونهای را بناحق می‌ریزند همراه که شیبت ستم و خونریزی تا حدودی بقیه در صحنه

مردم را فریب دهند. سازشکاران که از ادامه این افشاگرها بدلیل برمالاشدن ماهیتشان به وحشت افتاده، سعی کرده‌اند به انحاء مختلف از ادامه این گونه افشاگرها جلوگیری کنند، ولی دانشجویان پیرو خط امام و خلق قهرمان ما و نیروهای انقلابی هرگز نخواهند گذاشت که سازشکاران به این آرزوی خود جامه عمل بپوشانند. چنانچه در این چند روز اخیر مردم و سازمانها و گروههای انقلابی با تظاهرات در مقابل لانه جاسوسی آمریکا و شارهایی "دانشجوی افشاگر، افشاکن و حمایت میکنم" پشتیبانی خود را از ادامه افشاگرهای دانشجویان اعلام کردند. بدنبال این افشاگرها سازمان مجاهدین خلق ایران با صدور اعلامیه و انجمنهای دانشجویان مسلمان دانشگاهها و مدارس عالی با انجام دو تظاهرات متوالی پشتیبانی خود را از اقدامات افشاگرانه دانشجویان پیرو خط امام اعلام کرده و ادامه افشاگری را از سوی دانشجویان مصرا خواستار شدند.

از حقایق و واقعیتها را برای خلفان روشن خواهد ساخت. برآستی که ادامه این افشاگرها مرز بین انقلاب و ضدانقلاب، خلق و ضد خلق و در نهایت مرز بین انقلابیون راستین و سازشکاران و عوام‌فریبان را انحراف و خاموشی گزاید دوباره زنده کرد. افشاگرهاشکبه اگر همچنان بپیوندد دنبال شود در آینده بسیاری

بدنبال افشاگرهای دانشجویان پیرو خط امام در رابطه با عناصر سازشکار، موج جدیدی از تظاهرات در میان مردم برانگیخته شد، و باردیگر شور ضد امپریالیستی را که می‌رفت به دست سازشکاران و مرتجعین به انحراف و خاموشی گزاید دوباره زنده کرد. افشاگرهاشکبه اگر همچنان بپیوندد دنبال شود در آینده بسیاری

سخنی بابرادران پاسدار عدهای از ظرفداران سازمان مجاهدین در اوایل انقلاب به پاسداران پیوستند چراطولی نکشید که آنها را تصفیه کردند؟!

در هفته های اخیر یک سلسله حملاتی از سوی برخی از پاسداران کشته‌ها علیه مراکز و اماکن مجاهدین خلق ایران صورت گرفته است، که البته توضیحات و اعلامیه‌های مربوط به آن نیز در نشریه مجاهد (شماره ۱۵) منگس شد. اما ساله میمی که بایستی بطور جداگانه به بررسی آن بپردازیم، موضع و نقی برخی پاسداران کشته‌ها و بالأخص ملل کشیده شدن آنها به اینگونه حملات میباشد. از آنجا که در حسن نیت و صداقت آنها از پاسداران انقلاب تردیدی نداشتیم، ترجیح دادیم که حرفهای آنها را تحت عنوان سخنی با پاسداران، با خودشان در میان بیاوریم. بقیه در صحنه

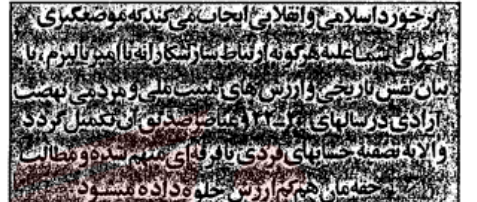
سرمقاله:

پیام مجاهدین به دانشجویان پیرو خط امام: شما در آستانه یک تصمیم گیری حساس و حیاتی هستید.

لحظه تصمیم

شما در فضایی قیام کردید که هرگونه موضعگیری جدی بر علیه امپریالیزم و پایگاههای ارتجاعی و لیبرالشن فوراً برحسب زندقه و نفاق می خورد، لکن اگر راه شما امتداد نیافته و به کمال تاریخی خود بالغ نشود دوباره...

جنبشها همچون همه نظامات دیگر داستان رشد و کمال خاص خود را دارند. سرگذشتی پررنگ و مملو از برخورد با بن‌بستهای مختلف، مبارزهای برای بقا که طی آن شایسته‌ترین و اصلاح‌ترین آنها پادار می‌مانند و به مراتب تکاملی بالاتر دست می‌یابند. معیار این شایستگی و صلاحیت تطابق و هماهنگی هرچه بیشتر با ضرورتها و مسیر رشد اجتماعی است. بجاى دیگر یک انقلاب یا جنبش بطور مداوم با فسادها و مائلی درگیر میشود که در صورت حل انقلابی آنها راه پیشرفت را می‌گشاید و در عین حال بر فسادهای درونی خود نیز غلبه کرده و وحدت و انسجام کارآمدتری حاصل میکند. روشن است که اگر تفریق این باشد تجزیه و پاشیدگی تدریجی در تقدیر چنین انقلابی است. اما در میان مسائل و فسادهای مختلفی که یک جنبش با آن مواجه میشود، مسایلی هستند حیاتی و سرسخت‌ساز - همچون شب قدر که آینه آن را: رگرو خود دارند. اینجاست که با لحظات فوق‌العاده حساس تصمیم‌گیری مواجه میشویم.



موج انقلابی ضد امپریالیستی که دانشجویان قهرمان پیرو خط امام برانگیخته تاکنون دستاوردهای بسیار ارزشمندی داشته که بیش و کم در مواردی به آنها اشاره کرده‌ایم. اما اکنون زمان یکی از مهمترین آزمایشت و لحظات حساس تصمیم‌گیری فرا رسید است. آزمایشی که همچون گذشته آرزوی موفقیت در آن برای آنها داریم:

مسأله اینست که موج انقلابی که دانشجویان پیرو خط امام برانگیخته‌اند، مبتنی بر واقعیات غرضان درون جامعه‌ای که دهها سال از ستم امپریالیستی بجان آمده‌است، مورد استقبال عموم مردم و نیروها قرار گرفت. به نحوی که حتی اگر فرد یا حزبی هم طینتا و بطور کلی با آن موافق نبود مجبور شد که علیه الظاهر روی خوش نشان دهد اما این تنها در مرحله اول است. تدریجا وقتی که اصالت کار آشکار میشود، یعنی وقتی روشن میشود که هدف فقط چند روزی شیار دادن و اقدام به برخی کارهای بی‌آزار نیست، یعنی وقتی معلوم میشود چرکت درونی و گرد نود و خواه تا خواه شوک تیزی هم دارد که می‌خواهد بگذارد و از برخی دیوارها عبور کند، آنگاه داد و فریاد خیابانی بلند میشود. آنها که نمی‌خواهند امپریالیسم برای همیشه در این کشور به گور نینورده شود، آنها که موجودیت ارتجاعی یا لیبرالشان نهایتاً با موجودیت امپریالیسم یکی و یگانه است، آنها که با افتادن انقلاب به مسیر اصولی دیگر محلی برای فرج شارهایی انحرافی و ارتجاعی و انواع و اقسام تحریف و جنگ‌افروزی نمی‌یابند، آنها که سینه انقلابیون راستین هدف مقدمشان است، آنها که در قبال خلف‌ترین فرزندان این مین از هیچ تهمت و افترا و بست و تنگین فروگذار بقیه در صحنه

بیرونی از وزارت عاشورا (۵)

اگر قرار بود که نور با شکست وانکسار کاستی پذیرد، جهان تنها جهان روپهان و گرگان بود، اما فروغ انسانی فنا ناپذیر است.

فرستد اینستاده‌است. در باره‌ی این پندهای فربه و نغزبان بخورانی و بنوشانی... چرا که اینک عاشورا بسز آمده‌است. دشمن عدالت‌خواه با خاک افتاده و با اسیر شده‌است. همان که مانع برکات چهاوگرگ‌انسان بود و فریاد حق طلبانه‌اش گوش خداگان برید را بسپار می‌فرسود و بی‌ایمان می‌توبد و می‌توفاند و دست برداشتنی هم نبود. چهاکون آنکه، دولت ما را هر زمان متزلزل می‌ساخت، همان "عاطری" همان "شوب طلب و خرابکار" برکاری افتاده و حال دیگر دولت ما پادار و ابد مدت خواهد بود... چنین است توهمات سفلگان دانش، در تشنه‌های خونبار و سرست از باده فتح و پیروزی، پیوسته همین بودمات داستان خودکامان و جباران و شکران در تمام طول تاریخشان. وقتی که خونهای را بناحق می‌ریزند همراه که شیبت ستم و خونریزی تا حدودی بقیه در صحنه

ایدئولوژی

اگر قرار بود که نور با شکست وانکسار کاستی پذیرد، جهان تنها جهان روپهان و گرگان بود، اما فروغ انسانی فنا ناپذیر است.

فرستد اینستاده‌است. در باره‌ی این پندهای فربه و نغزبان بخورانی و بنوشانی... چرا که اینک عاشورا بسز آمده‌است. دشمن عدالت‌خواه با خاک افتاده و با اسیر شده‌است. همان که مانع برکات چهاوگرگ‌انسان بود و فریاد حق طلبانه‌اش گوش خداگان برید را بسپار می‌فرسود و بی‌ایمان می‌توبد و می‌توفاند و دست برداشتنی هم نبود. چهاکون آنکه، دولت ما را هر زمان متزلزل می‌ساخت، همان "عاطری" همان "شوب طلب و خرابکار" برکاری افتاده و حال دیگر دولت ما پادار و ابد مدت خواهد بود... چنین است توهمات سفلگان دانش، در تشنه‌های خونبار و سرست از باده فتح و پیروزی، پیوسته همین بودمات داستان خودکامان و جباران و شکران در تمام طول تاریخشان. وقتی که خونهای را بناحق می‌ریزند همراه که شیبت ستم و خونریزی تا حدودی بقیه در صحنه

دانشگاه و انقلاب (۹)

"وحدت در میدان عمل شیوه اصولی رسیدن به وحدت ضد امپریالیستی"

در شاره‌های قبل، مسأله وحدت را مورد بررسی قرار دادیم و نشان دادیم که چه برداشتی از وحدت صحیح و اصولی باید داشت، برداشتی که پیاده شدن آن ضامن تداوم امر انقلاب در مین ماست. دیدیم که وحدت یک مقوله قراردادی نیست، بلکه مسأله‌ای است که از ذات مبارزه ضد امپریالیستی و ضرورتهای تاریخی و اجتماعی ناشی از آن برمی‌خیزد.

لحظه تصمیم

تنها در مسیر پیشرفت انقلابی میتوان بساخت دقیق نیروها و ترمیم تفرقه هادست یافت

اگر سدها و بن بست ها را بدون هیچ ملاحظه کاری نشکافیم و بجلو نرویم، یقیناً عقب نشینی را بمانا تحمیل خواهند کرد

می کنند، آنها که دین سرمایه دینشان است و... متغوران اقتدار راستگرای سرمایه داری کوچک و بزرگ وابسته یا متوسط رو به پایین و راستی و لیبرالی است که گمانند آنچه ویژه خود را به میدان مذهب و سیاست های این چنین گسیل میدارند...

به زبان رساتر سالها اینست که از این پس دانشجویان قهرمان ما در معرض انواع فشارها برای کوتاه آمدن یا "ملاحظه کردن" یا "مشاوره های مجازی" در قبال سواستاده های موموم دیگران از قبیل افشاری و علکرد و...

دانشگاه و انقلاب (۸)

ولنی لازم است ابتدا یک ساله اساسی دیگر نیز در مورد وحدت بررسی شود و آن عبارتست از شیوه اصولی دست یافتن به وحدت ضد امپریالیستی و مسائلی که باید در این باب مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر در بحثهای گذشته ما سالها وحدت را بطور کلی و عام مورد بررسی قرار دادیم و در این بحث میخواهیم مسائلی را ذکر کنیم که رهنمودی باشد برای پیاده کردن عام در شرایط و مراحل خاص تا بتوان از این رهنمودهای عام در موارد خاص استفاده کرد. طبیعی است که اگر در مورد دستبستگی به امر وحدت ضد امپریالیستی صرفاً با اتکا به شناخت قوانین عام و کلی بخواهیم اقدام کنیم، به دلیل بی توجهی به شرایط خاص چیزی جز تفرقه و شکست در انتظار ما نخواهد بود. این سالها را بعداً بیشتر مورد بررسی قرار خواهیم داد. ولی در همینجا اشاره به یک مثال کلی در لایحه مبنی: "اگر بطور زودرس با نیروی که به وحدت با خرده بورژوازی بهای لازم را نمیدهد نزدیک شویم، باعث رانده شدن نیروهای وابسته به خرده بورژوازی از جبهه ضد امپریالیستی خواهیم شد. برای برخورد علمی تر با سالها، ابتدا نگاهی سریع و گذرا میکنیم به وحدت صفوف نیروهای ضد امپریالیست از ابتدای شروع جنبش سلحشانه تا امروز. پس از سال ۵۰ با اوجگیری جنبش سلحشانه سازمانهای پیکتاز و مخصوصاً با مواضع سیاسی واقع بینانه و وحدت طلبانه سازمان مجاهدین

بقیه از صفحه اول

یکپارچه حرکت هدایت و استمرار مبارزه انقلابی، از ارزنده ترین نتایج مبارزاتی درونی است که دانشجویان در قدامی بدعی خواهد بود. بنابراین بگذارید برای چندمین بار تکرار کنیم که: اگر افشاریها با قاطعیت کامل و فارغ از هر ترس و بیم و مصلحت اندیشی در مورد کلیه مدارکی که بدست آورده اند ادامه نیندند؛ اگر سدها و بن بست ها در حقیقت حل شده و بلافاصله به قطع روابط استعماری با آمریکا ارضا نیندند؛ اگر سرمایه گذاریهای امپریالیستی صادره نشود؛ اگر با پایگاههای ارتجاعی و لیبرال امپریالیستها به موازات خود آنها مبارزه نشود؛ در نهایت حرکت قهرمانانه شما پایان می پذیرد و نهایتاً دچار رکود یا قهقرا خواهید شد.

چون که بدیهی است اگر سدها و بن بست ها را بدون هیچ ملاحظه کاری شکافیم و به جلو نرویم، یقیناً عقب نشینی را بمانا تحمیل خواهیم کرد. همچنین بدین ترتیب در مسیر پیشرفت انقلابی میتوان به شناخت دقیق نیروها و ترمیم تفرقه ها دست یافت. و اما در مورد نیتش آزادی که این روزها افشاری مربوط به آن بحثناگیز شده است ما معتقدیم که:

هرگونه ارتباط سازشکارانه با امپریالیسم نیاستی در هیچ کجا نابدیده گرفته شود و در همین رابطه ما هرگز نمی توانیم دست روی دست گذاشتن هیچ جنبیتی را بویژه در موضع حکومت و دولت در مقابل امپریالیسم آمریکا بر او ببخشیم. نمیتوانیم تلاش برای احیا، روبروگویی فرسوده و همان خطوط نظامی و امنیتی و تسلیحاتی شاه را نابدیده بگیریم. بنابراین است که می پرسیم چرا در موضع قدرت به این خواسته منطقی که "فهرست روابط و پایبندی مرتجعین ساواک و سیا را منتشر کنید" لیبیک گفتید. اگر از روز اول این کار شده بود امروز حتی یک نفر نیز بی جهت در مقابل انتهای که خود حاق میباید نیت خود به معاهد شماره ۲ مورخ ۵۸/۸/۱۴ صفحه ۸ شماره ۴ صمدین و بلگه هزارمین بار از جانب نیروهای انقلابی عنوان شده است توهمنگند.

بقیه از صفحه اول

پس از پیروزی انقلاب ضد دیکتاتوری، بدلیل حذف شدن موقت فشار دشمن، میدان برای رشد تضادهای داخلی

نیروهای خلقی باز شد.

از یک طرف و فشار دیکتاتوری که قدرت میدان داری نیروهای بنیابینی را می گرفت. از طرف دیگر، جو سیاسی در مبارزه با امپریالیسم و رژیم وابسته به آن بوجود آورده بود، هرچند این وحدت بدلیل نوبت جنبش از عمق کافی برخوردار نبود ولی بهر حال فرصت عملکردهای ارتجاعی را به حد اقل تقلیل داده بود. ولی شرهه امپریالیستی چپنا به سازمان مجاهدین، ناگهان جو آلرود و سمومی در فضای مبارزات خلق ما عجلور آورد. چرا که از یک طرف این عملکرد تفرقه افکنانه امپریالیستی چپنا سازمان ما را تا مرز نابودی پیش برد، سازمانی که پرچمدار وحدت ضد امپریالیستی و اصل ترین حامی و نگهبان آن بود و از طرف دیگر بهرین فرصت را برای میدان داری نیروهای مرتجع بوجود آورد، بطوری که به واقع میتوان گفت: سالهای پس از ۵۴ سالهای اول وحدت و تلف شدن نیروهای خلق در مسیر رشد تضادهای درون خلقی و درون نیروهای ضد امپریالیست بود. دانشجویان ما به خوبی میتوانند فضای سموم آن دوره را در دانشگاه بخاطر آرزو که چگونه در حالی که امپریالیسم و رژیم مغرور پهلوی با تمام قوا انقلابیون را می کوبید، تضادهای داخلی نیروها گاهی چنان اوج میگرفت که حتی به درگیری می انجامید. نیروهای مختلف داخل دانشگاه در بسیاری از موارد با فراموش کردن دشمن اصلی جنبش، عطشی از انرژی خود را به چاه ویل جنگهای مسلکی می ریختند و در کلام محمول این خود دشمن شدن کن چیزی جز هز رفتن نیروهای دانشجویان انقلابی - این مدافعان

۱- ضرورت تحلیل عینی و مشخص از افشاری و طبقات جامعه

وقتی میگویم تضاد اصلی این مرحله از انقلاب خلق، تضاد بین خلق و امپریالیسم است، بدین معنی است که همه اقشار و طبقات در این امپریالیست میشوند و باید در این نیرو شرکت یابند. ولی هر جامعه در هر شرایط و دوره تاریخی اش از ترکیب خاص طبقاتی در صفوف خلق برخوردار است. به عبارت دیگر، کیفیت و طبقات مختلف اجتماعی که میتوانند در هر مقطع در مبارزه ضد امپریالیستی شرکت کنند، برای جوامع مختلف

تکرار تریف مجاهدین خلق ایران به پاس عرفات..... بقیه از صفحه اول گذشته خلق قهرمان فلسطین نشان داده است، که تحت رهبری شما از آزادی استوار و جاودان به منظور آزادسازی تمام میهن در زنجیر، برخوردار است. در همین زمان اسرائیل غاصب این نواد ناشروع امپریالیسم آمریکا که برای اسارت تمام خلقهای منطقه به خدمت گرفته شده، اساس مشروعیت دروغین خود را در بسیاری از دهان چنانچان از دست داده است و این را مدیون قهریب چهل هزار شهید جاودان فلسطینی هستیم. برادر ابوعمار.

انقلاب شما به مثابه پیششار انقلابات منطقه که بی تردید بخش جدائی ناپذیری از انقلاب مردم ایران نیز محسوب میشود پیوسته در میان آتش و خون و انواع توطئه ها پیشرفت کرده است. انقلابی که با چهره فلسطینی خود، برخوردار از قلبی عربی است و به همین دلیل تمام دست نشاندهگان و مرتجعین عرب با آن خصومت می ورزند. لیکن ما خوشوقتیم که می بینیم برغم همه خباثنهای ننگین امثال سادات، رهبری انقلاب ایران امام خمینی پیوسته برای انقلاب و مردم شما آغوش می کشد.

بدین ترتیب انقلاب ایران همچون انقلاب فلسطین مهر ابطال دیگری است که طومار حجابهای ضد خلقی امپریالیست و صهیونیستی را در هم می نورد. بدین دلیل خواهان گسترش مناسبات و افزایش هرچه بیشتر گشکهای منوی و مادی ایران به انقلاب فلسطین بود و ما این وحدت بیش از پیش دو انقلاب در مسیر رهائی بخش ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی را خواستاریم. و این هر دو، انقلابی هستند تا پیروزی.

مجاهدین خلق ایران ۵۸/۱۰/۱۰ ۳۰ دسامبر ۱۳۸۰

مطاوت خواهد بود. به عنوان مثال جوامع وابسته ای که سرمایه داری در آنها رشد دارد، کسب و کیفیت طبقه کارگر در آنها بالاتر خواهد بود و در نتیجه همین این طبقه در نبرد ضد امپریالیستی افزایش خواهد یافت. در مورد میهن ما هرچند قیلاز بورژوازی انقلاب سرمایه داری وابسته بر آن تسلط داشته ولی بدلیل نوابی این شیوه تولید و نیز تسلط دیکتاتوری، طبقه کارگر علیرغم رشد کمی نسبتاً خوب، از کیفیت نسبت بافعل چندان بالایی برخوردار است و بنابر این هنوز نتوانسته است نقش اساسی خود را در صفوف مقدم مبارزه ضد امپریالیستی احراز نماید و این در حالی است که

۲- ضرورت توجه به آمادگی شرایط ذهنی برای وحدت سار نیروها

مطلب دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد اینست که بدین معنی این معنی اینست که هرچند ما درک می کنیم که به نایب باید برای پیروزی بر امپریالیسم به جبهه واحد ضد امپریالیستی برسیم ولی نباید فراموش کنیم که هرگز بدون گذار از مراحل کتی به این کیفیت نخواهیم رسید. به همین علت یک نیروی انقلابی باید در میدان نبرد ضد امپریالیستی با مطرح کردن شعارهای مرحله ای و از تاکتیکهای مناسب برای مقابله با امپریالیسم، سایر نیروها را به عمل واحد فراخواند؛ و این شیوه بطور واضحی این نیروها در جریان عمل نقاط مشترک و جنبه های وحدت را درک خواهند کرد و عملاً متوجه خواهند شد که هنگامی که در این تاکتیک شخص تا چه حد آنها را در دستبستگی به پیروزی یاری می کند. طبیعی است که با تکرار اقدامات واحد ضد امپریالیستی نقطه نظرهای نیروهای مختلف همبسی با احساس نیاز به یکدیگر به هم نزدیک می شود و پیوندهای ضد امپریالیستی بطور طبیعی پیدا می کند.

در جریان همین اقدامات بکیر ضد امپریالیستی، نیروهای که بدلیل خصمیت ارتجاعی و با انحرافات اپورتونیستی صلاحیت شرکت در جبهه واحد ضد امپریالیستی را ندارند از سایر نیروها فاصله می گیرند و صفوف نیروهای اصل قشره در می شود.

۳- ضرورت توجه به آمادگی شرایط ذهنی برای وحدت سار نیروها

مطلب دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد اینست که ما نمی توانیم صرفاً بدلیل مواضع ضد امپریالیستی یک نیرو با وی به وحدت برسیم، در واقع آن نیرو بلحاظ قری به ضرورت وحدت رسیدهباشد. به عبارت دیگر پیوندهای وحدت را تا آنجا می توان استوار کرد که آمادگی ذهنی پیشرو وحدت در یک یا چند نیروی اجتماعی به همان اندازه شکل گرفته باشد. اگر

★ پای صحبت خوش نشینان "چایش" ★

زنهای ده وقتی از ارباب صحبت می کنند، با خشم و کینه حرفهایشان را میزنند چون ارباب را سبیل تمامی رنج و فقر خود و در بدی شوهراشان میدانند



"انکار فلسطینی هستیم اربابها مثل اسرائیلیهای بیانه میگردند"

دران دوران فئودالی که پیشرو شواریش زده بود، در حالی که چاقو بر سرش داشت و در برابرش ایستاده بود، می گفت: "اگر خوش نشینان را از ارباب جدا کردی، منم میمانم".

جایش دهنگه فقر زده است در حاشیه شهر مشهد کنار جاده خواجه ربیع و پائین پای کلاته بوقا. این ده از نمونه روستاهای است که با بولدوزر قلمه‌ها را جدا کرده، دریاچه را چیده و شهر چسبیده شده، تنها چند هکتار زمین زراعی آن را از میان زمینهای زیادی که آنرا فرا گرفته باقی مانده و آنهم در اختیار فئودالهای شهر نشین است. لذا حدود ۲۷۰ اهالی خوش نشینند. جایش ۱۲۰ خانوار جمعیت دارد که بیش از ۹۰ خانوار آن آفتاب نشینانند. اینها نیروی کار ارزانی هستند که بیشتر ماههای سال را بیگارند. فعلاً تنها ده نفر از این عده در جایش کارگری می کنند، بقیه در بیرون از روستا بدنبال کار می گردند.

کل زمین زراعی روستا ۲۰۰ هکتار است که هکتار آن منقطع به دو نفر از فئودالهای سابق ده می باشد که اکنون این دو نفر در شهر به تجارت پلاستیک و فرش و... نیز می پردازند. استشار در شهر و روستا این نمره اصلاحات ارضی در اینجا همچنان پاره جاست. کوئی که اینک سرمایه داران ملاک با برخورداری از حکم شرعی و قانونی برای ادامه استعمار کارگر و دهقان مرحله چهارمی برای همان اصلاحات ارضی رژیم شاه ساخته اند. کمتر از صد هکتار از زمینها نیز منقطع به خرده مالکان روستاست.

محصولات جایش عمدتاً کوجه فرنگی، بادسیج، و سبزیجات و گاهی گندم و جوست، تقسیم محصول به این شکل است که مثلا اگر ۲ هکتار زمین ۵۰ هزار تومان فایده کند (البته سالی که عایدات فوق العاده باشد) ۲۵ هزار تومان آنرا ارباب برمی دارد و مابقی بقی عده از کسور خرجهای متفاوت اگر فرنگی، بادسیج، و سبزیجات و گاهی گندم و جوست، تقسیم محصول به این شکل است که مثلا اگر ۲ هکتار زمین ۵۰ هزار تومان فایده کند (البته سالی که عایدات فوق العاده باشد) ۲۵ هزار تومان آنرا ارباب برمی دارد و مابقی بقی عده از کسور خرجهای متفاوت اگر

توی این خراب شده، مرگ بهتر از مرگه! پای تنور زنان زحمتکش جایش مشغول پخت و پز بودند. بعد از خدا قوتی که دادیم نان داغی را تعارفان کردند، یکی می گفت: حتما آمدید به درد ما برسید سگند شما هم به ما وعده می دهید. "از کجا شروع کنم برادر جان، شومر ۱۴ سال دهقان حاج عبید-الحسن مهدوی ارباب قدیم مان بود تا وقتی که پادم می آید اربابها برای ما هیچ کار نکردند جز اینکه ما را به روز سیاه نشانندند. زمان طاغوت که بهر جا شکایت بریدیم راهمان ندادند امیدم به خدا حالا که اسلامی شده شاید به حرف ما گوش کنند!! مردها باید با سر عائله فلکی بیگانهها را بکنند... " هزار بار رفتیم بیت آقا دادردیم آب ندادیم، گرسنه ایم، هنوز که کاری برای ما نکردند."

سخت آخر از آن سنم کشیده ای وام می گیریم که زندگی تلخ و رنجبارش تشنگی ضرب المثل اهالی ده شده بود او می گوید: "۴ ماه است که شومر مریض شده توی این خراب شده مرگ بهتر از مریضی الان ده روز است که شومر را بردیم بیمارستان شاهرها خواباندیمش زود آزادش کردند. جواب عکهایش را هم ندادند. "چند بار شومر را بردیم حرم شفیع اش کردیم با طباب پهلوی هزارها عمل دیگر بستیمش شاید آقا این سک درگاهش را بخاطر زن و بچه اش رحم کند اما جوابی از امام رضا نگرفتم نمیدانم شاید قلبش از گناهکاری سیاه شده... که آقا جواب ندادند. حالا باز ما همین اطاقی ما داریم آنها که باید زستان را هم جلو بچرخه حضرت از سرما سیاه شوند، باز هم خدایا شکر!!"

روستا نشینان می گفتند ارباب ده گفته بود که ۵۰ متر زمین با صد هزار تومان می دهم برای ساختن حمام روستا اما بابت سهم امام، آنهم اگر آقای قمی و شریازی فتوا بدهند در غیر اینصورت حاضر نیست همینطور به این ده کتف کند. آقای شریازی هم گفته سهم امام به ما نمی رسد... زنهای ده وقتی که از ارباب صحبت می کنند با خشم و کینه حرفهایشان را میزنند، چون ارباب را سبیل تمامی رنج و فقر خود و بدی و بدی شوهراشان می دانند والا آقا حاضر آنها نمی گفتند، همه ظلمها از ارباب است والا قاضی فرستند که بیاییم خساری باشد، این ارباب حالا که مردمی کشنده داده اند، مسلمان شده، بعد از اینکه ما اینهمه در دهات جان کندیم گفته من رفایی نیستم و خانه هایتان بوق بکشید، نوازتان اشکال دارد. باید خانه ها را خالی کنید. می بینید آقا انکار ما فلسطینی هستیم اربابها مثل اسرائیلیها بیانه می گیرن، اینها هم این خانه گلی را بنا میزنند بیخندند... اگر از اینجا بروونان کنند کجا بنه بریم همین الان سفق داره روی بچه های خراب می شه وای به زستان تازه توی چله زستان خدا، باید بریم از ده بالا آب بباریم هفته ها می شود که می آب زندگی می کنیم، آنوقت مکه هم می ریم بزنه به کثروتن مکه خدا قبول کنه عده ای از خوش نشینها می گویند چند سال پیش سالار و دهقان بودیم موقع تقسیم اراضی ما گفتند بایدید مونوزر آب بزمین اگر برسیدند چکار باید بگوئید، کارگری!؛ خلاصه با کتک و حقه بازی زمینها را ریشهایشان را به اسم خودشان سندساز می کردند، ما هیچکدام زمین مونوزر آب بزمین اگر برسیدند چکار باید بگوئید، کارگری!؛

مردم محل در جواب می گویند "اگر ما قدرت خرید این چیزها را داشتیم اینجا توی این اطفاهای مرطوب و سرد نمی ماندیم، شکم گرسنه بچه هایمان را سیر می کردیم، نانوا بی درستی می کردیم راه درستی می کردیم تا در برف و بوران نانم، هیچکس توی این محل سالی بیکار هم گشت نمی خورد، همه مفرودند، آخر آدم مقروض اینهمه پول را از کجا ساور... شکایت نامه مردم بنام آقا به فرماندار اردبیل را نگاه می کنیم. این رنجنامه با سلامی بر سر شروع و او را تهدید به انقباض تمام می نمود. در این رابطه این سؤال مطرح می شود که تا چه وقت زحمتکشانی من با این لحن و زبان با مقامات سخن می گویند؟ این برای همیشه این نحو برخورد خواهد کرد؟ اگر به صالحیهای سایه ای مردم بنام آقا در دوران حاکمیت مفرودتالها و پس از آن سرمایه داران وابسته، از سرگردانان دهات نگاه می کنیم جواب این سؤال را می یابیم. شرایط منعی متحول جامعه ما با پیوند دهقانان و زحمتکشانی شهر در قیام سال گذشته بخوش نشان داد که حاکمیت جدید و مستعمرانهای وابسته و استارگر و دیگر عواید و حالی بیش نیست. مردم بدبخت ماندند و هر ده و ناحیه ای از جلو عواید برخواهند داشت حتی اگر این سه امپریالیزم خونخوار و وابستگان مرتجعش باشد.

استای دوران فئودالی ارباب روستا نشان از زمین زانده شده جای خود را به اجداد می بخشید، اما با این حال مردم کفایت نان بخور و نستران را نمی دهنده، چه رسد به این نوع خرجهایی تنها توالت محله، یک چهار دیواری خواب است. محله حمام ندارد. اگر هم که در روستا نمی رسد حضور شریفشان با ششم ولی به احترام خورن شیدان راه حق و به خاطر انقلاب که بسادفاند انقلاب از این عمل با استفاده میکنند، به همین جهت این کار را کردیم. از زحمتکشانی می خواهم که خواست مردم فوراً مستجاب کنند و در اینصورت به ما مستجاب دست میزنیم... تا بحال بنام آقا در دهستان شرف روستا بر سر مستجاب نشدند، همین بنه نامه ها است، به آقا آب بریق و جیره وارد دولتی... می دهند. "ملا" وقتی اهالی برای گرفتن برف به اداره برف و فرمانداری مراجعه کردند به آنها گفتند، بروید ترانس را بردن برف را خودتان بخردید و جالی را هم برای آن تهیه کنید. بعد از اینکه زمین مورد نظر را خریدند گفتند بایستی زمین کنار جاده اصلی باشد،

میانوست تا حدود ۳۰۰ متر بیشتر از ارتفاع کنونی ارباب در آن صورت برف بسیار زیاد تولید میکرد ولی گفته میشود در آنصورت قسمت بزرگی از خورستان را به زیر آب میرود. از سوی دیگر ارزانی انرژی حاصل از سوخت نفتی مشتقات آن در شرایطی که نفت از ارزاترین سوختها به شمار میرود بهترین منبع انرژی برای ما می باشد. ولی وابستگی به کشورهای امپریالیستی شرایطی را در پیش آورده است که بجای استفاده از هر چه بیشتر از انرژی، متأسفانه از انرژی خانگی گرفته تا راه اندازی کارخانجات کوچک و بزرگ از انرژی الکتریکی استفاده میشود. تا جایی که در کشور فرانسه در قسمتهای که مادن ذغال سنگ قرار گرفته هنوز قطارهای را بکار می اندازد که از سوخت ذغال سنگ استفاده میکنند حال آنکه رژیم سرسپرده ایران صحبت از برقی کردن قطارهای راه میگرد.

بایستی زمین کنار جاده اصلی باشد، فایده های آن را می بینیم که در نتیجه خرید نیروگاه است.

پناه آباد، نمایانگر افزایش ستم طبقاتی بردوش روستائیان مهاجر

سخت، خواست بنشینم و تا صبح گریه کنم، می دانم من در شهر اردبیل کار می کنم و تازه حقوقم به ۲۰۰ هزار رسیده. جوانهای محل همیشه توان کار بزرگترها را می بینم، وقتی با آنها صحبت می کنم می گویند، ما خالی می گردیم دیگر از اثر قالی بافی خودشان می گویند، "گرسنگی توی ولی کوره بزرگانه هم دست کسی از قالی بافی ندارد. بزرگترها می گویند: "الله آخر کار شربتند، ما هم که دست خالی پیش زن و بچه هایمان بر می گردیم، زنهای دخترهایی که برای کار به کوره بزرگانه نرفته اند در مزارع سب زشتی و فقدر کار می کنند، اما این کار هم فعلی است. همانطور که باران و زستان کوره خانه تعطیل می شود، بعد از برداشت محصول اینها نیز بیگار می شوند. در پناه آباد از درمناگه و دکتر و حتی ابتدائترین لوازم بهداشتی و درمانی خبری نیست. مریض را بایستی پیاده و یا با تنها ماشین محل که یک وانت است، به شهر ببرد.

گرسنگی توی استخوانهایمان هم نفوذ کرده بود

پناه آباد با ۱۵۰ خانوار جمعیت (نزدیک به ۱۲۰۰ نفر) محله ای است در کنار شهر اردبیل، بیشتر مردم پناه آباد از دهات اطراف مثل مغان و ارتک به اینجا آمده اند. خودشان می گویند، "گرسنگی توی استخوانهایمان" نفوذ کرده بود، زمین هم که نداشتیم، آدمی اینجا که از غذای انبوسیم که بدیم اینجا بزرگتر است. همین الان هم اگر آنجا به ما زمین بدهند برمی گردیم و با جان و دل کار می کنیم.

از مردم بیاموزیم و به مردم آموزش دهیم

خواهر، برادر، همرا، که هستی درنگ نکن، تمام چند و چون ما را مصلحتها را در تاناس با مردم کنار بزن، به میان مردم برو نه برای اینکه بزرگترها را تهدید کنی، بل برای اینکه شدن. لمس کردن دردهای زحمتکشان جامعه و برقرار کردن پیوندی طبیعی و محکم با آنها و در نهایت تهیه گزارش و بی نصیب نگذاشتن دیگران از عینیتی که مشاهده کردی، از عینیتی که بازگشوده رنج خلقمان می باشد. شاید سئوالاتی در این رابطه برایتان مطرح شود که: آیا در فلان کارخانه یا محله و روستا، ما را درگیر خواهند دید؟ آیا ما را درگیر خواهند دید؟ با ارتجاع چه کنیم؟ ... البته سئوالاتی بجای است ولی بشرط آنکه جوابش را خودمان از پیش نسازیم. بمان مردم برویم و پاسخ را هر چه هست از آنها بگیریم. اینکه پاسخ اول چه هست مهم نیست نباید لیختن محبت، ناله درد، و با نحتی و ناسزا و کتک باشد، این جواب اول است ولی با مردم، سوم و... چی؟ آنوقت دیگر با شاست که مزد سرانقلابی خود را بگیرد، لذت پیوند با توده های محروم و رنج آتیا با کارگران و متحدان طبیعی آنها یعنی دهقانان را بچیند و از آنها سیاموزد. و مجدداً به خودشان باسوزانید. چرا که "یک انقلابی بایستی از توده ها سیاموزد. طرف خطاب ما تنها آن خواهری نیست که برای رفتن به میان مردم "پناه آباد" بقول خودش با هزاران اندیشه در ستیز بوده و سرانجام نیز با آغوش باز از استقبال کرده اند. بلکه این را به عنوان یک مسئولیت برای هر انسان که به پیروزی حتمی و نهایی علی اعتماد دارد، یادآور می نویسم. و تأکید می کنیم که این چیز کارها را به صورت گروهی و متشکل انجام دهید. با استفاده از حاصل زحمات این خواهر با وضع خودبخاز روی زمین "پناه آباد" آشنا می شویم:



بی پنهان در "پناه آباد"

بچه های کوچک، در کارگاه قالی بافی از صبح تا شب کار می کنند. دستهای زحمتشان ملامت آهن را دارد. راستی که نگاه کردن به این چهره های محروم و دستهای پینه بسته و تحمل آن، طاقت و مسئولیت زیادی را می طلبد. چه رسد که پای صحبت یکی از این بچه ها می بنشینیم. پدری می گفت: "دیشب یک کیلو پیاز گرسنگی آوردم گذاشتم گوشه اتاق، طفلکی آمد یکی را برداشت و دندان زد مثل همیشه خیال می کرد سب است ولی بزودی گریه اش درآمد، جگر

نیروگاه گازی ری، آئینه تمام نمای وابستگی های امپریالیستی

پنجشنبه ۲۳ فابریکارت نیست. (نیروگاه حدود ۱۵۰ کارگر دائم، ۱۳۰ تکنسین ۲۰ مهندس و ۲۰ کارگر روز مزد دارد.) و در کنار همه این تمیزها این را اضافه کنیم که کارخانجات خارجی اجازه نمیدهند که تکنسین های ما کاللا بر کار آورند که سلسله تولید، ملحق من این است که به کشورهای امپریالیستی امکان میدهد تا به سادگی و هر وقت نامشان را می خواهند با ما تهدید کرده و تحت فشار قرار دهند مانند تکنسین های آلمانی که هنوز هم بی خبریم از راه اندازی کارخانجات خارجی در کشور خود هستند. دولت که خود به ملت ما متشکر با آمریکا، سیاست های امپریالیستی واحدی را علیه ایران اتخاذ میکنند. حال بیخیم چه عواملی ما را نیازمند انرژی الکتریکی و در نتیجه خرید نیروگاه است.

سخنی با پاسداران

بسیاری از پاسداران نه به اشتباهی پست و مقام و نه بخاطر سرکوب انقلابیون، بلکه به انگیزه پاسداری در این راه گام گذاشته اند

تود و تسلط جریانهای غیر انقلابی عامل اصلی تحولات

پاسخ به واقعیت موجود مستلزم یک تحلیل مفصل و همه جانبه است که در این سطور نمیگنجد. اما بطور کلی میتوان اشاره کرد که ریخته بسیاری از مسائل بعد از انقلابان را بایستی در چگونگی ریزش و ماهیت جریانهای حاکم در جریان صحنه اخیر جستجو کرد.

کافیست اشاره کنیم که درست در نقطه اوج آگاهی و آمادگی و بسط خلق برای حرکت در سراسر مبارزه ضد استبداد لیستی بسیاری از ستروان به تنهایی چیزی که فکر نمیگردد پاسداری ضد امپریالیستی بوده است.

بدین ترتیب قریب ۹ ماه نه تنها انقلاب تمام مردم پیدا نمیکند، بلکه بر سخت در سمرهای انحرافی می افتند و این در حالی است که نیروهای انقلابی و دشمنان انقلابی خلق مرتباً بر لزوم قطع وابستگی، انشغال و افکار قراردادهای ننگین استمراری و کشف و افشای شبکه ها و عناصر سیا و ساواک و...

آموزشهای سیاسی

اما جالبتر از همه تبلیغات ضد مجاهد است که به اسم آموزشهای سیاسی - ایدئولوژیک حقیقت میگویند زیرا جوهر همه این آموزشها انفا جم کینه و بدبینی نسبت به مجاهدین است.

نحوه تحقیقات در مورد این شرط انفدر طرف و سوابق شده است که با شگردهای بازجویی ساواک قابل مقایسه است: از جمله طرح سؤالات مستقیم و غیر مستقیم، بلوف زدن، حتی وارد شدن در بحثهای مختلف سیاسی اجتماعی و گاه افکارها از طرفداران از نقطه نظر مجاهدین و...

بسیار حیرت در اوایل انقلاب کم نبودند طرفداران سازمان را برای پاسداری از انقلاب به این سنگر پویستند. ولی طوفی کشید که با بکار آفتابن سورسهای جدید اطلاعاتی آنها را شناسایی و صافیه کردند. و این عملیها افکار، صداقت و کاری آنها بود.

نویسه مرتضی قاسمی و... یکی از دهها مورد این تصفیهات که نه تنها بسیاری از پاسداران بلکه مردمی را که شاهد کارها و برخوردهای آنها بودند به اعتراضی واداشت.

چرا برخی پاسداران خود را در مقابل مجاهدین ببینند؟

در اینجا مکتبست برای برخی افراد از جمله خود پاسداران این سؤال مطرح شود که چرا ما بدینی برادران پاسدار را نسبت به خود نادیده میگیریم؟

کسانی قرار دارند که خودتان اشاره کردید. بکفر هست سپیده است ولی یکی هست هیچ چنین حالیه نیست. توی گوشه کزبان کردانه، بگزارید بگویم و بروم، مطمئن باشید در هر جلسه بعد در یک آینده با انعامی با همین خصوصیات رو برو هستید، بدانید آن موقع زمینه را فراهم کرده اند برای رگرار و شما چه حق باشدی چه ناحق.

این صحنهها، شایعات و شنیدههای دست چندم نیست. اینها گرفتاری از سیستم تبلیغاتی و آموزشی حاکم بر پاسداران است که بواسطه یکی از پاسداران سکولر مستقیماً مطرح شده است. پاسداری که در برخورد با برادران مجاهد، علمبرگ همیشگی است.

بسیار حیرت در اوایل انقلاب کم نبودند طرفداران سازمان را برای پاسداری از انقلاب به این سنگر پویستند. ولی طوفی کشید که با بکار آفتابن سورسهای جدید اطلاعاتی آنها را شناسایی و صافیه کردند.

نویسه مرتضی قاسمی و... یکی از دهها مورد این تصفیهات که نه تنها بسیاری از پاسداران بلکه مردمی را که شاهد کارها و برخوردهای آنها بودند به اعتراضی واداشت.

اما جالبتر از همه تبلیغات ضد مجاهد است که به اسم آموزشهای سیاسی - ایدئولوژیک حقیقت میگویند زیرا جوهر همه این آموزشها انفا جم کینه و بدبینی نسبت به مجاهدین است.

آموزشهای سیاسی

اما جالبتر از همه تبلیغات ضد مجاهد است که به اسم آموزشهای سیاسی - ایدئولوژیک حقیقت میگویند زیرا جوهر همه این آموزشها انفا جم کینه و بدبینی نسبت به مجاهدین است.

میرت انگیز نیست؟

کتاب مجاهدین خلق چیست؟

دیدیم که چگونه مرتجعین مندم نیروی خود را در جهت کوبیدن و بدنام کردن مجاهدین بکار میبرند. دیدیم که برادران بنظر پادشاهان چه سو استفادههایی را از اعتبار عالمانه مردم میکنند. تا آنجا که به خیال خودشان مقایسه برقرار میکنند. اما بدون شک این تلاشها سرانجام نتایجی جز خسارت مرتجعین بهار نخواهد آورد.

تاریخ پرافتخار شیبه نونهایی بسیار جالبی از این تلاشها مذموبخوان را شاهد بوده است: وقتی امام علی علیه السلام در محراب وقتید شد، و این خبر به اهالی شام رسید، برای آنها ساله مهم و غیر متظره نه شهادت برلا بود و نه هیبت قاطعی نه... بلکه سؤال اصلی این بود که علی در محراب چکار داشت، گروهام نشان میخواند؟

تاریخ پرافتخار شیبه نونهایی بسیار جالبی از این تلاشها مذموبخوان را شاهد بوده است: وقتی امام علی علیه السلام در محراب وقتید شد، و این خبر به اهالی شام رسید، برای آنها ساله مهم و غیر متظره نه شهادت برلا بود و نه هیبت قاطعی نه... بلکه سؤال اصلی این بود که علی در محراب چکار داشت، گروهام نشان میخواند؟

تاریخ پرافتخار شیبه نونهایی بسیار جالبی از این تلاشها مذموبخوان را شاهد بوده است: وقتی امام علی علیه السلام در محراب وقتید شد، و این خبر به اهالی شام رسید، برای آنها ساله مهم و غیر متظره نه شهادت برلا بود و نه هیبت قاطعی نه... بلکه سؤال اصلی این بود که علی در محراب چکار داشت، گروهام نشان میخواند؟

چرا سرکوبست سابق سپاه پاسداران استغفار؟

کما کشف غیبی نظیر آیتالاهوتی که خود سابقا رنج و شکنجه مبارزه را تحمل کرده، در مقام سرپرست سپاه پاسداران نتوانست این عملکردهای انحرافی را تحمل کرده و زبان به اعتراض نگشاید. دیدیم که بلاخره چارهای جز استغفار برایش نماند.

استغفار مترادف است به معنی توبه و بعد هم جسد مرتجعین را از اطاق گناهگوشی داد، بسیاری از حقایق را مرتجعین سعی در کتمان آن داشتند آشکار ساخت.

استشاری برای نیروهای آگاه سازمانهاخته؟
مگر دهها و صدها تن از مجاهدین و طرفداران آنان تا آخرین ششپایه رژیم شاه در کتخ زندانبانیهای مرتد مقاومت نمیکردند؟ آنتیم در عزابلی که مرتجعین گروه گروه، به بیانههای مختلف از جمله لزوم مبارزه بر علیه مجاهدین «مفومانته» های خود را به خاکبازی ماسوینی (نامه عاشق) تقدیم میکردند تا خود را از رنج زندانبانی آرایسامی خلاص کنند؟
مجاهدین با این مرتجعان، مواضع و ملاوشها بلاخره شهادتیا چه آهدای را دنبال کرده و میکنند؟ آها جز رزاعی علقمان از بوغ استعداد، ارتجاع امپریالیزم، و در ادامه آن حاکمیت دستخاستن در جهت نحو استعمار انسان از انسان و تحقق این زنده قرانی:

و تریڈ ان نَعَى عَلَى الْأَبْنَاءِ اِستغفروا لِلْاَرْضِ وَ تَقْتُلِمُ اَنفَهُ وَ تَقْتُلِمُ الْاَوْسَیْنِ
و بلاخره ایجاد جامع بی طبقه توحید در برتو مکتب بر افتخار اسلام؟

رنج و خون تمامی شهدا و شکنجه دیدگان شامفا بر تمامی دستاوردها و دیدگاههای مجاهدین که زمانی بخاطر دفاع از آنها بیدادگاههای شاه حکم اعدام صادر میکردند، بهترین گواه اعتقادات و اهداف مجاهدین است. درستبدلیل همین اعتقادات و مواضع توحیدی سازمان بود که رژیم مغرور شاه شخصاً خود شاه عاشق برای اولین بار و همزمان با اولین سرکوبهای خونینی انتزاعهای مارکسیست - اسلامی، انقلابی و... را بر این مجاهدین خلق اختراع کرد و تا آخرین سال حکومت تکلیفین بپیمکان در هر مورد از سازمان با این عناوین نام «سیرود» به عبارت ساده شاه قدر اقل در کتف این سپاه و جرحیه استفاده آن بر علیه مجاهدین، چندین سال از اخلاف مرتجعین سلطو بود.

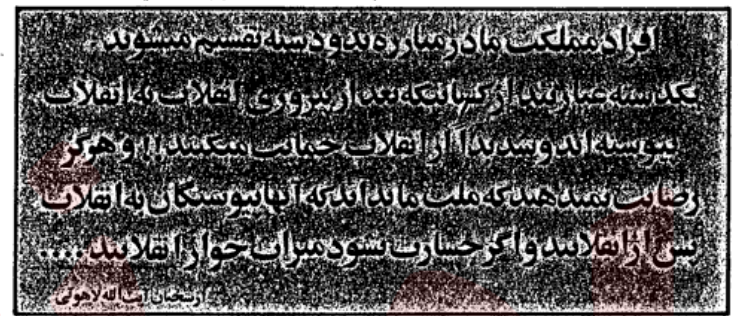
آها دشمنان اسلامپناه این حقیقت را میپذیرند که تمامی دعواوشان بر علیه سازمان چیزی جز تکرار مارکبای کینه شده آرایسامی نیست!
در اینصورت برای کی نیروی انقلابی چه اختفاری بالاتر از این کبیه ترمیمخواهی اشی بوسیله امثال شاه همرزمان آگاه صبا ناکاهش مورد انتهام واقع شود (سازمان یکبار در سال ۵۲ طی بیانههایی ماهیت این پارومرانیها و شاه و شخصاً مارکبایسمت اسلامی را انشا کرد).

اگر غیر از این باشد، باید تعجب کنیم و حتی در مورد ماهیت آن نیرو به تردید بچشم.
این تنها افراد آگاه و متعبد هستند که از نیروهای اصل و انقلابی دفاع میکنند، آنها هستند که منت مرتجعین را بوشمگری مقابلهان خود باز میکنند و در مقابل فشارها، تشییات و منزوی شدن انقلابیون ساکت نمی نشینند.

چرا سرکوبست سابق سپاه پاسداران استغفار؟

کما کشف غیبی نظیر آیتالاهوتی که خود سابقا رنج و شکنجه مبارزه را تحمل کرده، در مقام سرپرست سپاه پاسداران نتوانست این عملکردهای انحرافی را تحمل کرده و زبان به اعتراض نگشاید. دیدیم که بلاخره چارهای جز استغفار برایش نماند.

استغفار مترادف است به معنی توبه و بعد هم جسد مرتجعین را از اطاق گناهگوشی داد، بسیاری از حقایق را مرتجعین سعی در کتمان آن داشتند آشکار ساخت.



اینها که با ورود سازمان به صحنه تاریخ این صیبن، ایدئولوژی سرخ توحید میرفت که از لوت زنگارهای طبقاتی سو استفادههای مرتجعین نسبتا یاد ۱۳ آری - دران سائترین شبهای دیکتاتوری که سوه چندان کونی، در لانه ذلت و تسلیم طیبی خریدت بودند. مجاهدین خلق پیوسته مبارزه اسلامی را شکت و انقلاب نون خلق را بنیان نهادند و با اطمینان به پیروزی آن یا فریاد زنده باد اسلام، زنده باد قرآن، مرگ بر امپریالیزم، مرگ بر شاه خائن، به استقبال جوتهای اعدام میروند و قهرمانانه شهادت سرخ حسینی را پذیرا میشوند.

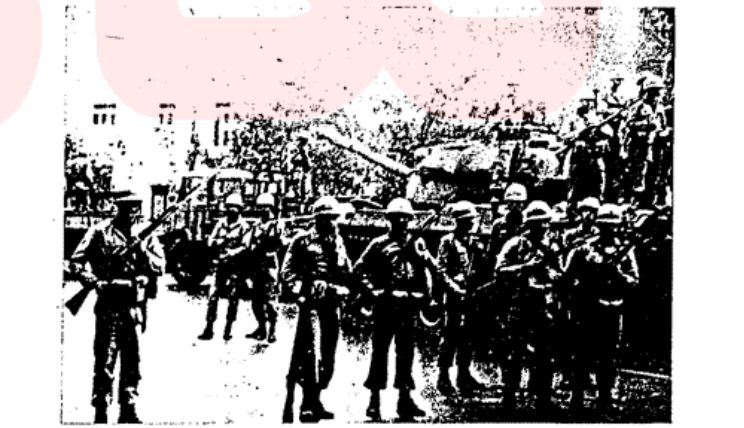
آها دشمنان خود را همواره هرگز به حماص بنگارندگان کبیر سازمان: خندینزاد، سید محسن بدیع - زادگان اشاره میکنند اما مرتجعین - آن اسطورههای طاوت: رضاییها، ذوالانوارها، فاطمیانیها، غوغلها، کاروانی از شیدا و آسرای سازمان در سالیهای عقخان و سکوت افتار دارند؟ آنها پیروی یافته کدام مکتب و کدام سازمان بودند؟

آها در تبلیغات مرتجعین اشاره می که به شایر مجاهدین در پیشتاز انقلابی ایران و روشنگران سیرت اسلام انقلابی میباشند و سیرود که از اسلام، میبود؟ مگر نه آنکه تا قبل از حرکت سازمان، دفاع از اسلام و حتی افامه نماز در مراکز و روشنگری با سرانفدگی میره بود؟ اسلام انقلابی و شخصاً قرآن و نهج البلاغه از ره زانی بعنوان مکتب راهنمای عمل انقلابی و ایدئولوژی رضایی عشق ضد امپریالیستی و عد

یاد شهیدان نهم دی، سالگرد کشتار خونین مشهدگرمی باد.

مگر میتوان بر گلبوته های شقایق و آلاله های سرخ شهادت سد شد که نرویند و قد نکشند.

یکسال از کشتار شاهانه ۱۱ رژیم گذشت. آن روزهایی که دیو خون آشام آخرین خراسمهای خویش را از لوله تانکا و تفنگهای آمریکایی



سلاح آمریکایی در دست ارتشی وابسته خون خلق را زمین میریزد

ایدئولوژی شهیدان هریک به تنهایی همچون دانه ای هستند که خوشه می شوند و خوشه ها خرمن، خرمنی از خشم که ریشه تمام هزرگان تاریخ را خواهد سوخت.

سراب می شود، هرروز که طلسمی را بخون می فلطاند، بر اینند که برکتنا حسته و دوام و بقا یافته اند. چه آن روز که ناپیل هابیل را کشت و چه آن روز که یزید حسین را. چه آن روز که شاه مدنی را بر سر افکند و ...

البته مضمون تمام این روزها یکست. پهنشازی و با خلقی خون می فلطد و با زنجیر کشیده می شود، چه با شمشیر و چه با ناپالم و چه با سمهای مخرب دیگر. سپس راهزنان تاریخ، همان سارقان مسلح جاده حقیقت انزور را نشان می کنند و جشن می گیرند. جشنهایی چه در کسوت نوثاتوش و چه بصورت شکرگزاری و بپهن کردن دلی و سجاده. ایشان بر این گمانند که طلسمی را که کسترانده اند بگونه برگت باخته و پایدار خواهد ماند و فرزنی خواهد یافت. ...

اما اگر قرار بود که ظلمت را در این جهان اضمالتی باشد و اگر قرار بود که نور با شکست و انکسار کاستی بپذیرد، جهان تنها جهان روپهان و گرگان بود اما فروغ انسانی، همان گوهر ایزدی که عماره وجود آدمی است فنا ناپذیر است. بدانسان که همچون نور سرانجام از "عکست و انکسار" هیچ کاستی نمی پذیرد، بلکه بیش از پیش انگاز می یابد. مگر نرویند که همد جگرخواره، مادر مایه، مگر حمزه مموی بهایر را پس از شهادت می جوید؟ آری می توان سوخت آزرده را به بند کشید. کشت، سوخت و جگر را خورد اما با فروغ توحید و آزادی که می توان کرد؟ اینجاست که شهیدان، هریک به تنهایی همچون دانه ای هستند که خوشه می شوند و خوشه ها خرمن، خرمنی از خشم که ریشه تمام هزرگان تاریخ را خواهد سوخت. اینست زبان خدا، زبانی همانقدر سوزنده برای ستارگان که لطیف و مطراکین برای مستضعفان و سحربران و امثال حسین و یارانش کلمات بالافشان این زباند. کلمات لعنت و نفرین، کلمات برهمنی، تانده و سوزنده که همچون رمذ و چوگان برق بنیاد ستار را از هم می درند. اعگرانی فراسوی تاریخ

نفر برها و اموال مصادره شده، دیگر را به آتش کشاند. بار دیگر مردم قسم خوردند که خون را با خون جواب گویند و گلرله را با گلرله.

آتش زدن اگرچه زهر چشم گرفتنی است از دشمن، لیکن قهر انقلاب از لوله تفنگ زبانه می زند

کنتار مردم خراسان چکه پوشید و از ابتدای مأموریتش در مشهد خون ریخت. تارک دوم دیماه مشهد از خون آذین بست، تا تدارک وسیعی در بلندای خشم جوانان مردم در سوگ هفتمین شب از شهادت این عزیزان به گل کشید. در این روز از طرف گروههای مختلف دعوت بر راهپیمایی شده راهپیمایی از مدرسه نواب آغاز شد تا از خیابان حسینی به میدان شهدا باز آغاز گردید. تمام جمعیت هنوز در چهارراه لشکر مستقر نشده بود که، در لشکر یزیدیان بیج پچهایی شوم آغاز گردید و وقتی تریدهایی به یقین انجامید که صدای شلیک گلولهها در فضا طنین افکن شد تیرها بود که بسوی سیل مردم شلیک می شد، و دهان ها بود که ترانهایی خون و رهائی خویش را میسرودند.



فرماندهان مزدور که عزم جزم مردم و تزلزل و سستی نیروهای خود را می دیدند، تقاضای کمک و مهمات نمودند اما ...

مهماتی که بوسيله کامیونهای برای قتل عام توده های مردم به حرکت در آمده بود پس از مصادره توسط مردم مثل گوشت قربانی بین جنگنده ها تقسیم شد، تا در قربانگاه حق و باطل زخمی شوند، وقتی هلهله شوق مردم ناشی از غلبه بر خصم به اوج رسید که چند تانک ارتشی هم با سرزنشانی مردم پیوستند و دستبردار کالیبر ۵۵ تانک توسط چند زرنشده جوان با شد به حمایت جمعیت آمد.

با مسلح شدن مردم فرمانده مزدور ارتش درنده تر می شود و تانکها دستور آتش می دهند، سرهنگ کلانی مردم را به رگبار مسلسل می بندد که با انفجار خشم مردم مواجه شده و در یک چشم بهم زدن زیر مشت و لگدای آنانند و سنگین مردم له می شود.

در همین زمان سرنشینان تانکی هم اعلام هستی می کنند، مردم



پای قطع شده شهیدی، در کنار بدن شهید که در رجاها دیده شده است، او در زیر چرخهای تانک دشمنان خلق به این صورت در آمده است.

هموم برده تا سوار تانک بر قلب خصم بتازند ولی بعد از سوار شدن یکسر روی تانک متوجه می شوند که تاکنک فرار و زیر گرفتن مردم را دارد، به سرعت پاشین ریخته اند که در این عمل جرات و دودرد دردی چرخهای سنگین و زنجیری تانک لهدیده شدند، تا چیزی دیده را گلگون سازند. این از جامعه طوفان پیاخیز است. تئوره خشم مردم تانک و کامیونها و قبل از رسیدن مردم کلانتریها می گذرد باید بیعود، نادیدگسکارچیان رژیم با تفاوت و وقاحت تمام خلق می پناه ما را درو ننگند، تا با اسلحه تانک خویش را بولادین سازد و ایمان و عقیده جهاد خویش را بر دایره گلولهها حمل کند. این فکر کم کم تحقق پیدا می کرد. برای ابتکار مناسب ترین محل کلانتریها بود. جمعیت طرف کلانتری ۳ و ۶ برافزاند و قبل از رسیدن مردم کلانتریها می گذرد باید بیعود، نادیدگسکارچیان رژیم با تفاوت و وقاحت تمام خلق می پناه ما را درو ننگند، تا با اسلحه تانک خویش را بولادین سازد و ایمان و عقیده جهاد خویش را بر دایره گلولهها حمل کند. این فکر کم کم تحقق پیدا می کرد. برای ابتکار مناسب ترین محل کلانتریها بود. جمعیت طرف کلانتری ۳ و ۶ برافزاند و قبل از رسیدن مردم کلانتریها

بقیه در صفحه ۱۰

نگاهی به نمایشگاه سال جهانی تقاشیها و کتابهای کودکان

من کشوری ندارم تا سال کودکت را در آن جشن بگیرم. (کودک فلسطینی)

اولین نمایشگاه سال جهانی کودک بعد از سرنگونی رژیم شاه به وسیله کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران بمدت ۱۰ روز برگزار شد. اگر بپذیریم که دنیای فردا به دست کودکان امروز است، می‌بایستی بدون سامحه به رشد و افتخارشان آنان از طریق نشان دادن دردهای واقعی جامعه امروزمان تلاش کنیم. و در این میان نقاشی و کتابهای مصوری که بتوانند کودک را از دنیای بسته و کوچک کودگانه خود درآورده، در سستی دیگر یعنی در جهت رشد آگاهی خود از زندگی و مسائل دیگر جهان بکشاند، یکی از راههای است که می‌تواند در این زمینه مفید باشد. و با قبول این مقدمه است که باید گفت "بچه‌ها را فراموش نکنیم."

ما با این امید و انتظار که اینبار می‌بایستی نمایشگاه از زرق و برقهای "فوج" پسنده و خوشبختانه‌های حلقه های تاراجی شال شیری خالی بودهباشد به هوای دیدن آثار و نتایج انقلاب از دید کودکان به دیدن آن رفتیم، و اکنون مشاهداتمان را می نویسیم:

نمایشگاه از چهار بخش تشکیل شده بود: نمایش فیلمهای کودکان، نقاشیهای کودکان کشورهای مختلف و کتابهایی که برای کودکان نوشته شده است و در پایان فروش کتابها و نوار های کانون. نقاشیهای نقاشی با کارهای "لیدان" نقاش فلسطینی که برای بچه‌ها مرسوم شروع می‌شود: تازان! کامی و در عمیقین دلاری! و این در آغاز نمجرب به بیننده‌های از چنین نقاشیهای آنها از یک هنرمند فلسطینی برمی‌آید که ۱۱ چرا که از انتظاری جز این دارد؟ و لیدان با الهام از نقاشیهای توتو و غریب پا در رنگهای نهاده که دکان پروروزی غریب برای مستحوی فرهای کودکان دریی بود بیشتر به آن دست زده است.

باید خود ادامه می‌دهیم، به نقاشیهای نقاشی کودکان ایرانی می‌رسیم: سال چند تا بلوک که بچه‌های ۱۱ و ۱۲ ساله از قسمتهای زمان انقلاب با آبرنگ روی کاغذ کشیده‌اند چیز قابل توجه دیگری مشاهده نمی‌شود!

نویسندگان بتوانند در ارتقا آگاهی آنها بگویند. مضافاً بر اینکه خوانند از اینهم که بگذریم باید بیروسم نمایشگاه با نقاشیهای که از آدا و اطوارهای بچه‌های کشورهای غربی که از سر سری جیبه آفرینگاهی ۱۰۰ رنگ را بر روی مفاوای مخصوص نقاشی گردماند برای بچه‌های ایرانی حاوی چه پیامی است؟

نقاشی بچه‌های فلسطینی همه‌اش از هجوم دشمن و دفاع فلسطینی‌هاست و در ادامه آن نقاشی‌هایی از کودکان آلمانی، اتریشی، انگلیسی، بلژیکی، ترک و... که همه، نقاشی‌هایی از کوشمهای مختلف زندگی سرمایه‌داری را نشان می‌دهد: بازی با حیوانات باغ وحش، رقص بازیهای مختلف، گل و شنا در استخر و دیگر نمودهای فرهنگ و روابط جهان سرمایه‌داری که شب و روز در آن نفس می‌کند و این خود برای آن دسته از بچه‌هایی که از پایین شهر می‌آیند، چیزی جز رؤیاهای ذهنی بیارنی آورد. و در این میان تابلو نقاشی کودکان فلسطینی برخلاف دیگر تابلوها که بیننده فقط گوشخوشی به آن انداخته و از کنارشان می‌گذرد مدتی بیننده را در کنار خود به نشانگی می‌دارد. صحنه‌هایی از حمله و هجوم دشمن، و در مقابل دفاع فدائیان فلسطینی، زندگی در اردوگاه‌ها در میان چادرها و آرزوهای بلندش که داشتن تفنگ است و میلیشیا شدن و بقول یکی از بچه‌های بدستانی که می‌گفت: "بشتر نقاشی فلسطینی‌ها از جنگ است." و بدینسان است که در یک مقایسه سطحی در می‌یابیم که لیدان نقاشی فلسطینی هیچ شاختی از نقاشی کودکان همون خود تا آنجا که ما کارهایش را دیدیم ندارد و با نقاشیهای خود نقاشی‌های امیل و خوب کودکان فلسطینی را الهوده می‌کند.

به نقاشی شگلی نمایشگاه هم اگر بخواهیم آثارش را می‌توان از نداشتن زیربوس برای نقاشیها و عدم ترجمه اسم کتابهای به نمایش گزارده را گوژد کرد. اجازه دهید در جایشه این دهن قدری هم در بهرامون محتوی نمایشگاه سخن بگویم: بطوریکه نمایشگاه هیچ پیامی از انقلاب و تحولات اخیر در نقاشیها و کتابهای به نمایش گذاشته‌اش برای بچه‌ها ندارد و اکثریت کتابهای ایرانی به نمایش گذاشته‌ش، کتابهایی است که در شرایط "ظافغوشی" نوشته شده و فقط برای بزرگ کردن و پتربینا بدر می‌خورد، و نه به‌شتر، در حالی که بچه‌ها با داشتن خیمتانه دینی‌های یکساله تحولات اخیر، خود از آجتان پامیاشی برخوردارند که

باید خود ادامه می‌دهیم، به نقاشیهای نقاشی کودکان ایرانی می‌رسیم: سال چند تا بلوک که بچه‌های ۱۱ و ۱۲ ساله از قسمتهای زمان انقلاب با آبرنگ روی کاغذ کشیده‌اند چیز قابل توجه دیگری مشاهده نمی‌شود!

بهدت دانشجویان افشا باید گردد "رابطه با آمریکا، سازش با آمریکا افشا باید گردد" ضمن تأکید بر ضرورت ادامه افشاکاری، پشتیبانی خود را از ادامه افشاکاری، پشتیبانی بیروم خط امام اعلام کردند. آنها با دیگر برای چندمین بار یکصدای فریادهای رسا و شمارهای کوبنده ای مانند "انقلاب، انقلاب پیروز است، آمریکا، سازشکار ناشناخته است" "سازشکار، سازشکار، دشمن انقلابی" "خیمتایی، بختینی، بر ضد امریکایی" "هرگونه سازش و رابطه‌ای را با آمریکا محکوم ساختند.

علاوه بر این دانشجویان ضرورت تشکیل کمیته‌های مردمی را با تکرار شعارهایی از قبیل "خیمتایی، قهرمان، بیوس ملیون جوان، ارتش انقلابند، باروز انقلابند" خاطر نشان کرده و ایجاد ارتش خلق را به مثابه تنها راه پیروزی بر امریکالیسم مورد تأکید قرار دادند. راهبیبیان در ساعت ۱۲ نیمه شب به مقابل مرکز جاسوسی رسید و پس از مدتی توقف و قزارت تقطنامهای از بلندگوی سفارت به راهبیبیان خود همچنان تا پایان انقلاب ادامه داده و تقاضاهای در ساعت ۲ بعد از نیمه شب پایان گرفت.

در تقطنامه دانشجویان مسلمان دانشگاهها ضمن اشاره به این نکته که تقاضای خود فیهان ما پس از سقوط دیکتاتوری و عقب نشینی امریکالیسم می‌فرستد بوسیله جریانهای ارتجاعی و لیبرال و سازشکار به انحراف کشنده‌شود، ولی اقدام انقلابی دانشجویان پیرو

نهم دی سالگرد کشتار خونین...

در کنار بعضی از خونهای شهدا که بر زمین ریخته شده بود نوشته بودند "مسلمان لحظه‌ای درنگ کن و به شهدا ببیندیش"



پایداری بود رفتیم و از آنجا کوکمل پرتاب کردیم، ولی فایده‌ای نداشت جای ۳-۳ خالی بود تا به پستخانه ایان و توان درسمان مزدوران را خلع سلاح کنیم. البته گلت داشتیم که از این فاصله کاربرد چندانی نداشت و قادر مفاوله با ۳-۳ نبود لحظاتی، سرتار از مبارزه و خون بودند.

عاشورا را با تمام وجود حس می‌کردیم. جنگ و گریز تا حدود ظهر ادامه داشت که صدای غرش تانکها به همراه رگبار مسلسل، جمعیت بی‌سلاح را متفرق کرد دسته از جبهه دلاور خلعان راهب خاک و خون کشیدند. لشکریان بنول به پیرو جوان وزن و مرد رحم نکردند، حتی بدخال مفازه و خانه‌ها هجوم می‌بردند و با قنداق تفنگ و مشت و لگد به جان مردم می‌افتادند. می‌گویند که یک خانواده زوار را داخل مسافرخانه قتل عام کردند.

مزدوران شاهد حتی از به گلوله بستن صف خریداران نفت، واکسی‌ها، تانکها، فضاها هم خودداری نکردند از آمار شهدای این روز دقیقاً اطلاعی در دست نیست، ولی طبق شواهد عینی و اظهارنظر بعضی از رسانها بین ۲۰۰ تا ۲۰۰ نفر تخمین زده شده است.

سخنی با پاسداران

مدعی‌ها هم مایه نگذاشتند... یک مدع از فرصت استفاده میکردند و تحصیل زمن با ثروت، اسلام... دست‌نهادند کلالن شرایط زندگی در سلطنت ما چه چیزی است و یک مسلمان چطور باید باشد و این حکومت برای اسلام چقدر خفراکت است و امام که از سلطنت تمشه است از مردم چه می‌خواهد و الان یک جسمینی روی کار بیاید و با بعداً بیاید روی کار، این برای مردم یک سآله است و برای مردمی که مبارزه کرده‌اند این صعب‌آورد است که اینها (کیهان) نه حلاله (آزمایه) آیت اله لاهوتی در قسمت دیگری از همین صحابه جدیداً یادآور میشود که:

مرض کردم یکی از مسأله‌ی که برای مردم سؤال انگیز است اینکه روزگاری چه میشود؟ آری اینها خائن بودند؟ اینهاست که در این مدت زیر فشار بودند، آری اینها همه متخرف از مسر مبارزه شده‌اند؟ پس نتیجه گرفته میشود که اینها منحرف شده‌اند، بلکه یک دستخانی دست اندرکار شدند که اینها مجبور به کنار رفتن شدند. زیرا مبارزه برای کسانی است که مبارزه کرده و خون داده‌اند.

حکوم کردند. یکی از اینچنین شعارهای انجمنهای دانشجویان مسلمان این بود: دانشجویی خط‌امام افشاک، افشاک - مزدور امریکایی را رسوا کن! رسوا کن! در خیابان آیت‌الله طالقانی مقابل لانه جاسوسی، گروهی اندک حدود یکصد نفر با مطرح کردن شعارهایی علیه مجاهدین خلق چندبار مانع ادامه راهبیبیان از انجمنهای جوان مسلمان شدند، این عده کوشیدند تا بر ورود راهبیبیان به مقابل لانه جاسوسی، ادامه نظاره‌های علیه امریکالیسم آمریکا جلوگیری کنند، اما امریکالیسم و انضباط راهبیبیان مانع نخوسردی و انضباط راهبیبیان مانع از برخورد گردید و نظاره‌های ادامه یافت.

زده‌اند، خون بر سگفترها و اسفالت خیابانها موج می‌زد. آفتاب ظهر جلای بر خونها پخشیده بود و گلهای زردی که پاران خود را از دست داده بودند زیت پخش خون پاکشان شده بود. در کنار بعضی‌خونها نوشته بودند: "مسلمان لحظه‌ای درنگ کن و ببیندیش" طبق گفته شاهدان، آنروز مزدوران ساواک نیز وحشیانه کشتار کردند. چندماشین سواری ساواک با سرشتیان وحشی سرستمت خود برآه افتادند و رجه‌ها دیدند به رگبار بستند بهیچ کس رحم نکردند، گلوله‌ها بود که سینه صاف خریداران نفت، واکسی خاک مایندند.

دست و دست تقسیم میشود، بکده می‌ارتند از کسانیکه بعد از پیروزی انقلاب به سواد پست‌بند شدیدی از انقلاب حمایت میکنند (۱) و هرگز صفت با تاجهای گانگی در سایه زنجیرهای خویش به زره پرداختند. اما مگر می‌توان بر گلوله‌های شقایق و آلالهای سرخ شهادت سد شد که نوربند؟ و چه خوب شهدا شاخ فرعون را کشند و در زینت به زینش کشانده و بینی برپاد هانها بر خاک مایندند.

یادشان را با ادامه مبارزه ضد امپریالیستی خلعان پاسداریم دو دست تقسیم میشود، بکده می‌ارتند از کسانیکه بعد از پیروزی انقلاب به سواد پست‌بند شدیدی از انقلاب حمایت میکنند (۱) و هرگز صفت با تاجهای گانگی در سایه زنجیرهای خویش به زره پرداختند. اما مگر می‌توان بر گلوله‌های شقایق و آلالهای سرخ شهادت سد شد که نوربند؟ و چه خوب شهدا شاخ فرعون را کشند و در زینت به زینش کشانده و بینی برپاد هانها بر خاک مایندند.

سلاج زور و ارماز در دست رژیم سفاک پهلوی، هر روز تیزتر و روز تیزتر و اختفت شد، و بدل به عمدترین تکیه‌گاه دیکتاتوری برای ابدیت حاکمیت و حشمت‌ناش بر خلق ما گردید. کارنامه این تفریق‌ناز و حشمت‌ناز، ملگزه‌های رژیم، بارها در پیوسته اخبار و انبیا رسانده که برای هر قدرت حاکم‌های دوره بیشتر وجود ندارد: با دامن خلق و حمایت از حقوق آنها در برابر فراترگران، و با بنام بردن به ضد خلق و استفاده از هر شیوه ضدانقلابی‌ای که او را در این راه باری رساند و نه نهایت تبدیل شدن به دیو پلیدی که حیات خود را در گرو نابودی مردم می‌بیند. مامیت رژیم شاه، راه دوم را انتخاب می‌کرد. و دیکتاتوری را مبرمی، ایران را مرصه یک تازیانه و فراترگرفته‌های خوشی فراردا. و تمام غارت ضد خلقی‌اش را در اینجا به آزمایش گذارد. هنگامی که از دیکتاتوری بنحوان ویژگی خاص رژیم زور پهلوی نام می‌بریم، مننی آن اینست که می‌توانیم مظاهر آنرا در کلیه ارگانها، بخشها و نهادهای وابسته به این رژیم بخوبی مشاهده کنیم: در کارخانه‌ها، در دانشگاه‌ها، در موسسات و ادارات... و در ارتش، که در هر یک اختناق و سرکوب با شکل خاص خود اعمال می‌گردید. ولی حق می‌توان ارتش را تجلی‌گاه کامل عقافتان در این دوره نامید، که در آن وحشیانه‌ترین محلات و رده‌بالاترین شیوه‌ها برای مزدوری ادب و تمسح توده‌های ارتش صورت می‌گرفت. این امر توسط سیستم مریخی و طویل و وحشتناکی بنام "اداره دوم" و بطور مشخص ضد اطلاعات انجام می‌گرفت. همانگونه که بعداً مفصلاً خواهیم دید فعالیت‌های ضد اطلاعات متوجه دو زمینه بود: یکی درون ارتش و دیگری خارج از آن. اما چگونه؟

جمله‌شوه‌هایی که نظام‌های ضد خلقی و ارتجاعی بکار می‌گیرند، بهترین دلیل بر ماهیت و سرشت آنهاست، به بیان دیگر تفاوت ماهیت ارتشهای مردمی و ضد مردمی، خود را در عملگردها و شیوه‌های آنها بخوبی بروز می‌دهند. اگر چه کتب اطلاعات لازم از دشمن، از مقدمات مطالعه با اوست، ولی این موضوع در ارتشهای گوناگون، حاشی و مصادیق گوناگون متفاوت و متضاد پیدا می‌کند. بدین معنی که ارتشهای انقلابی که در پی اهداف عادلانه و رهاشی‌بخش به سبب با دشمنان بر سر می‌خیزند، چون اهدافشان در ارتباط کامل و تنگناست با منابع توده‌های مردم است، برای کتب اطلاعات نیز در درجه اول بر کتب توده‌ها اتکا دارند. در حالی که در ارتشهای ارتجاعی که هدفشان جز سرکوب خلق و پاسداری از منافع بیگانگان و امپریالیسم نیست، چون مردم را بی‌مقاله (و نه تبه کار) خود می‌بینند، نه تنها نمی‌توانند خواستار آگاهی توده‌ها باشند، بلکه بالعکس استفاده از کثیف‌ترین و پلیدترین شیوه‌ها نیز شروع می‌شوند. یک ارتش مردمی هرگز نمی‌تواند از راه‌ها و شیوه‌های ضد خلقی برای

بیشتری می‌یافت. کثمتیم که عملگردهای ضد اطلاعات در زمان شاه، کنترل بر سر ارتش بود. باز در اینجا نیز، چون ارتش‌های ضد خلقی با وحیات خود را در ناگامی بر سر داشتند، می‌بایستد بخش عمده‌ای از ارتش صرف این منظور می‌گردد. گروه کثیری از پرسنل جغ ارتش که از سر ناچار و با این هدف خدمت به سپه و مردم وارد ارتش شده‌بودند، پس از مدتی با مشاهده اینکه نتگن سیستم ارتش و با دیدن ابداف چگونه ارتش ایران مرصه یک تازیانه و فراترگرفته‌های مستشاران آمریکائی است، سرخورده و مأوس به فکر چاره می‌انداختند. اینجا بود که ضد اطلاعات با کنترل وسیع پلیسی، با ارماز و سرکوب پرسنل مبارز ارتش به انجام وظیفه می‌پرداخت. در میان اسد ارتش، کارزاری را نهادیم که انضباطی اولین برآمده ضد اطلاعات انضباطی ارتش و سرکوب پرسنل مبارز ارتش بود. این زمینه‌ها نیز روشنگر است: وی در قسمتی از این گزارش که در سال ۱۳۳۵ (اولین گرد تاسیس ضد اطلاعات)، تنظیم کرده‌است، می‌گوید: "در مورد درجه‌داران ارتش با توجه به اینکه افراد ناچورد نان آنها بیشتر دیده می‌شود، ناراضی زیادی وجود داشته و تاکنون در اثر

نواز" برای حل این مسئله توسط آمریکا تاسیس شده‌است. بهر حال "دانشه" فعالیت ضد اطلاعات بطور روز افزون گسترده‌تر می‌شد. از حفاظت و مراقبت از مستشارها گرفته تا سانسور کتابتات پرسنل، ترتیب دادن برنامه‌های ترتب سخنرانی و باصلاح آگاهسازی او حتی اعلام صلاحیت ازدواج برای پرسنل ارتش و همچنین است که حتی ازدواج بر سر می‌بایست تحت نظارت و کنترل ضد اطلاعات انجام گیرد. البته در میان شیوه‌های معمول ضد اطلاعات، روشی نیز جای خاص خود را داشت.

نواز ناشروع همین ضد اطلاعات است که پس از کودتای ۲۸ مرداد و برای ایجاد عقافتان هر چه بیشتر و برای سرکوب آزادیخواهان بوجود آمد. از آن پس، این دو با هم دست در دست می‌زدند. سانسورهای وسیع رژیم، نظیر سانسورهای به فعالیت تاریخ خوش مشغول بودند. گروهی که اینکه بیشتر قدرت و سلطه ساواک بر همه ارگانهای رژیم از جمله ارتش، شهربانی، سایه انداخت. از سوی دیگر همانطور که اشاره شد فعالیت‌های ضد اطلاعات منحصر به درون ارتش نبود، بلکه در زمینه‌های وسیع نیز تقشی‌های مهمی ایفا میکرد و بطور مشخص طرح‌های عمده، توسطها بر علیه خلق‌های وابسته تنظیم بود. فقط در ۵۶ تعداد ۱۳۸۶ نفره برآمده پس از انقلاب، و بلافاصله و ساواک انجام گرفت. بولتن‌های ماهانه‌ای که توسط ضد اطلاعات تهیه و تدوین میگردد، و اطلاعات مستحل بر آخرین اخبار فعالیت‌های سیاسی دانشجوئی و نظاره‌ها... بود.

بلا بردن سطح آگاهی توده‌ها و تثبیت معیارهای ایدئولوژیک، تهاره‌ها مقابل با دشمن

بلا بردن سطح آگاهی توده‌ها و تثبیت معیارهای ایدئولوژیک، تهاره‌ها مقابل با دشمن

بلا بردن سطح آگاهی توده‌ها و تثبیت معیارهای ایدئولوژیک، تهاره‌ها مقابل با دشمن

نقش ضد اطلاعات در ارتش ضد خلقی شاه خان

نقش ضد اطلاعات در ارتش ضد خلقی شاه خان

ضد اطلاعات در ارتش‌های ارتجاعی برای پاسداری از منافع امپریالیست‌ها بوجود می‌آید.

ضد اطلاعات در ارتش‌های ارتجاعی برای پاسداری از منافع امپریالیست‌ها بوجود می‌آید.

ضد اطلاعات در ارتش‌های ارتجاعی برای پاسداری از منافع امپریالیست‌ها بوجود می‌آید.

بناصبیت آغاز سال نو میلادی

بناصبیت آغاز سال نو میلادی

بناصبیت آغاز سال نو میلادی

پیروان مسیح در لحظه‌های مصلوب شدن، سوزانده شدن، و فریاد می‌زدند، من مسیحیم!

مسیح پیام آور پیروزی و رهبر و پیش‌نماز آخری ما بود

عدم وسایل، در مورد آنان اقدامی نگردیده، ولی با وسول وسایل مورد نیاز و مجهز شدن دستگاه، قرصا با روش کلیه درجه‌داران ارتش، با وسول مخصوص بر سبب‌های ضد اطلاعاتی لازم معلول و میزان وفاداری آنان روشن خواهد شد.

سال گزارش خود بخوبی گویاست، نه بر سر تعیین میزان وفاداری درجه‌داران یعنی آن تفری است که بیش از بقیه پرسنل با توده‌های مردم پیوند دارند و بعداً خواهیم دید که چگونه "وسایل مورد

زند "من مسیحیم" مسح پیام آور پیروزی و رهبر و پیش‌نماز آخری ما بود... من مسیحیم، توده‌های مردم عنوان کسانیه که "ادم فروش" را گرفتند. کسانیه که انسانهای دیگر و حیثیت و شرف و انسانیت خود را نیز به تن بخش فرورختند. طبق آمار رسمی که خود ضد اطلاعات در سال ۵۶ انتشار داد، تعداد منابعش حدود ۵۰۰۰ نفر بود، یعنی بطور متوسط برای هر ۲۰ پرسنل ارتش یک جاسوس! ساواک نوزاد ناشروع اداره دوم ارتش جالب است بدانهم ساواک نیز

درد "من مسیحیم" مسح پیام آور پیروزی و رهبر و پیش‌نماز آخری ما بود... من مسیحیم، توده‌های مردم عنوان کسانیه که "ادم فروش" را گرفتند. کسانیه که انسانهای دیگر و حیثیت و شرف و انسانیت خود را نیز به تن بخش فرورختند. طبق آمار رسمی که خود ضد اطلاعات در سال ۵۶ انتشار داد، تعداد منابعش حدود ۵۰۰۰ نفر بود، یعنی بطور متوسط برای هر ۲۰ پرسنل ارتش یک جاسوس! ساواک نوزاد ناشروع اداره دوم ارتش جالب است بدانهم ساواک نیز

درد "من مسیحیم" مسح پیام آور پیروزی و رهبر و پیش‌نماز آخری ما بود... من مسیحیم، توده‌های مردم عنوان کسانیه که "ادم فروش" را گرفتند. کسانیه که انسانهای دیگر و حیثیت و شرف و انسانیت خود را نیز به تن بخش فرورختند. طبق آمار رسمی که خود ضد اطلاعات در سال ۵۶ انتشار داد، تعداد منابعش حدود ۵۰۰۰ نفر بود، یعنی بطور متوسط برای هر ۲۰ پرسنل ارتش یک جاسوس! ساواک نوزاد ناشروع اداره دوم ارتش جالب است بدانهم ساواک نیز

ارتش‌های اسلام، انگوهای ارتش‌های و اقوام مردمی

ارتش‌های اسلام، انگوهای ارتش‌های و اقوام مردمی

ارتش‌های اسلام، انگوهای ارتش‌های و اقوام مردمی

ارتش‌های اسلام، انگوهای ارتش‌های و اقوام مردمی

آشنایی با مردم صحرا و جنبش آزادیبخش آن بولیساریو (قسمت آخر)

سومین کنگره بولیساریو و ویژگیهای اساسی مردم صحرا را "عرب بودن"، "آفریقائی بودن" و "مسلمان بودن" میداند

بر اساس نوشتههای گذشته "جنبه" بولیساریو "کامپلکس رزندی" در جهت بسیج تودههای مردم صحرا برداشته، و نیروهای تودهها را بطور گستردهای آزاد کرده است. زنان را در میدان انقلاب راهبانی بخش بطور چشمگیری بویا و انقلابی نموده و مسئولیتهای خطیری را بر دوش آنها نهاده است.

در جهت تأمین این اهداف جنبه بولیساریو برنامههای گوناگونی دراز مدت تنظیم کرده است تا بر اساس آن مردم وحدت ملی ضد امپریالیستی تودهها را تضمین کند، و نیروها را در جهت انقلاب بسیج نماید، و هم راه سازندگی جامعه آینده را هموار سازد. اصول اساسی این برنامه در "سومین کنگره بولیساریو" تصویب رسیده که به نام "برنامه ملی" بر آن نهاده شده است و مهمترین قسمتهای آنرا ذیلا می آوریم.

رئوس برنامه ملی "کسردومین کنگره بولیساریو" تصویب رسیده:

- ۱- "برنامه ملی" اصول اساسی انقلاب و ویژگیهای خاص مردم صحرا را مبرم بودن مسلمان بودن و آفریقائی بودن می داند. مردم صحرا را متعلق به کشورهای تحت سلطه دانسته، که به مبارزه ای با آن علیه امپریالیسم بر خاسته است. مبارزه ای که در استمرار خود باید استمرار و استقامت را در صحرای نابود کند.
- ۲- فرهنگ مردم صحرا از ویژگیهای فوق ناشی شده، و ریشه در تاریخ کهن مردم دارد.
- ۳- مبارزه مردم صحرا پس از پیروزی بر امپریالیسم در جهت ایجاد ساختمان جامعه ای ملی و تحقق سوسیالیسم تداوم خواهد یافت.
- ۴- کنگره سوم بر اساس اصول و ویژگیهای فوق سیاست داخلی خارجی آرا بصورت ذیل مشخص نموده است. در بخش سیاست داخلی برنامه ملی "تصمیم دارد که برای استقرار و بقا یک نظام جمهوری دموکراتیک رهنمون باشد و جنبه بولیساریو باید با برنامه ای متحد و هماهنگ آن راه را هموار سازد. این راه از بسیج مردم میگذرد و باید زمام امور را بدست آنان داد. تا روح آزادی بر جسم و جانشان دیده شود. ابتکار ایشان توسعه یابد. استعدادهای رشد کرده

باید. برای تداوم انقلاب در آفریقا در اولین قدم باید عطف فاسلی بین دشمنان و دوستان بطور واقع بینانه ترسیم کرد. سپس بر اساس شی انقلاب بولیساریو" مکتوبه تا با دیگر انقلابات و دوستان و برادران آفریقائی رابطه برقرار کند. برادران آفریقائی برای برای استقلال ملی و خودمختاری و بر علیه هر نوع حاکمیت خارجی یا تبعیض نژادی مبارزه میکنند. در اثر این وحدت است که "فاره" آفریقا موفق می شود صدای خود را بگوش جهانیان برساند. تشکیل ملت صحرا- الجزایر - لیبی اولین گام در این جهت برای دنیای عرب باشد.

پس از پیروزی بر امپریالیسم در صحرا، مبارزه مردم در جهت ساختمان ملی و تحقق سوسیالیسم تداوم خواهد یافت



ارتش آزادیبخش با زور توانمند انقلاب

بولیساریو به عنوان یک جنبش آزادیخواه معتقد است باید از انگیزه های مقدس خلق صحرا حمایت کرد. تا موفق شوند آزادی و استقلال شان را استحکام بخشند، و به مخالفت و فشارهای خارجی در سرزمین صحرا پایان دهند. ایستادگی هر کشور را در نیروی در مقابل این خواسته های اشتکار به خلق می باشد.

ابراز احساسات و ادوار صمدی از جمعیت برخاست و گف زدن و زندمباد گفتن اطرافیان انعکاس مضحکی پیدا کرد، از قفا چند لحظه بعد جهان پهلووان وارد سالن شد و مردم به محض اطلاع از حضور او بکاره سالن را با غریب و بیخبر و فریادهای خروشند و ملوانتهای مکرر به لرزه در آوردند. این واقعه توده های محکمی به غلامیها و در واقع به رژیم بود که طبعاً کینه تختی را در دل ناپاکان عمیقتر کرد.

جراتختی قهرمان توده ها بود. راستی چرا مردم تختی را اینهمه گرامی و عزیز می داشتند، به خطا رفتنم اگر بندهایم علاقه مردم به آن جهت بود که تختی ورزشکاری



یادشان گرامی باد و جایشان خالی

زینمی که همه قلمروهای استعداد و توانایی بشری را عرصه جولان سیاست خود می پنداشت، اندیشه و مفر داشتند، احساس و قلب هنرمند و توان و با زوری ورزشکار همه زیبایی بودند برای ناخن آتش تبلیغات حکومت دیکتاتوری، و در چنین رژیم تختی پاک ماند و در ... آن نبرد

بولیساریو با ایمان به سن و آداب شرقی مردم صحرا، معتقد به همکاری با تمام مناطق و سازمانهای بین المللی است. آنهم با روحی از احترام متقابل برای دفاع از حقوق خودمختاری و استقلال مردم. احترام به اصول و اصول اهمیت در ملت ها، عامل اولیه و قابل اهمیت در داشتن روابط با کشورهای دیگر است. همزیستی سالم آسیر در گرو احترام به همین اصول است. و اگر آبندهای بهتر برای تمام خلقها "خواهیم، تقویت و مدد رسانی برای تمام نیروهای ملی و دموکراتیک در سراسر جهان یک هدف مبرم می باشد.

مصاحبه با فراد اردوگاه

۱- نام: محمد علی - سن: ۵۵ سال. دارای زن و هفت بچه
 ۲- پدر چند وقت است که به اینجا آمده اید و چرا؟
 ۳- جواب: حدود چهار سال و برای آزادی سرزمین صحرا.
 ۴- پدر ممکن است قدری از گذشته ات و مبارزات مردم صحرا برای ما بگوئی؟
 ۵- سه روز قبل در جریان یک نبرد بزرگ شهید شدیم، بر دیگرم و خودم در ارتش هشتم.
 ۶- خاطر فرزندت به تو تسلیم میگویم - شهادت تسلیم ندارد بلکه خیلی افتخار میکند- خود مرا بارها ارتش اسپانیا ضروب کرده و چند بار به زندان افتادهم ولی هنوز افتخار شهادت را کسب نکرده ام.
 ۷- فرار داد اخیر با موریتانی را چگونه می بینی (منظور فرار داد صلح که فوفا به آن اشاره شد).
 ۸- این فرار داد یک پیروزی حساس در این مرحله از مبارزاتمان است.
 ۹- راجع به انقلاب ایران چه فکر میکنی؟
 ۱۰- مردمان ایران دوستان ما در این انقلاب می باشند.
 ۱۱- به نظر تو چه کسانی از حسن حمایت میکنند.
 ۱۲- فرانسه - آمریکا و سادات.
 ۱۳- نام: رفیق، همر محمد علی، سن ۴۵ سال.
 ۱۴- بولیساریو برای زنان چه برنامه ای دارد؟

در برنامه کتبه مدت با برنامه انتقالی کنگره سوم طرحهای گوناگونی است که اکنون در دست اجرا می باشد. این طرحها شامل برنامه های سیاسی، دیپلماتیک سازماندهی، نظامی، اقتصادی و اجتماعی می باشد.

بهر و جوان در زیر برق سرنیزه ما پوران حکومت در حسرت و سوگ از دست دادن قهرمان نجیب خود چنان از خود بیخود شده بودند، چنان با غیظ و نفرت پا بر زمین می کوفتند که کوبی برای خونخواهی آمده اند، تظاهرات باشکوهی که دانشجویان مبارز آن زمان برای وی برپا کردند، بهترین وجهی گویای نفوذ جهان پهلووان در قلب توده ها و روشنفکران بود. و بواقع هم که خلق هیچگاه خون فرزندان را نخواهد بخشید، دیر یا زود برای خون خواهی قیام خواهد کرد، این حقیقت را عکسهای متعدد تختی که در روزهای راهبپاشی و تظاهرات سال گذشته همراه با عکس سایر شهیدا بر فراز دستان مردم پروز می کرد گواهی می داد. با جهان پهلووان تختی شهید در قلب ملت همیشه زنده و تابناک و خاطره پرشکوه همواره الهام بخش و نیرومند جوانان بویزه ورزشکاران رشد این مرز و بوم باد!

وقتی در یازدهم دیماه ۱۳۴۴ خیر نیک تختی در شهر پیچیده بهشتی عظیم مردم ناباور را فرارگرفت و وقتی گفتند که پهلووان خودکشی کرد ما! هیچکس باور نکرد و بهت و ناباوری جای خود را به ششم و نهم آشنی داد که بسوی رژیم جنایتکار شعله می کشید، آخر تقریباً همه می دانستند که پهلووان شخصیتی سیاسی مخالف رژیم است. پهلووان خودکشی ۱۴ امکان نداشت! حتماً توطئه ای در کار بود و قرائن بسیاری هم وجود توطئه را تأیید می کرد، جسم پهلووان در هتل سیرامیس که متعلق به یکی از سر سردگان رژیم بود به دست آمد و جالبتر آنکه گفته می شد این هتل در محاورت یکی از مراکز ساواک قرار دارد. بهرحال مراسم تشییع جنازه و دفن و بخصوص شب هفت پهلووان به بزرگترین نمایش خشم و نفرت خلق از رژیم جنایتکار تبدیل شد. دهها هزار

يَوْمَ بَلَى السَّرَّاءِ فَمَا لَهُمْ قُوَّةٌ وَلَا نَاصِرٌ
 روزی که اسرار فاش گردند، پس افشادگان را هیچ نیرو و پشتیبانی نخواهد بود

روزی که اسرار فاش گردند، پس افشادگان را هیچ نیرو و پشتیبانی نخواهد بود

روزی که اسرار فاش گردند، پس افشادگان را هیچ نیرو و پشتیبانی نخواهد بود

روزی که اسرار فاش گردند، پس افشادگان را هیچ نیرو و پشتیبانی نخواهد بود